

فهرست مطالب

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم نه

راهزنان

انتخابی نمایش ۲

برده اول ۳

برده دوم ۳۷

برده سوم ۷۵

برده چهارم ۸۹

برده پنجم ۱۲۱

توطئه فیسکو

انتخابی نمایش ۱۴۶

برده اول ۱۴۹

برده دوم ۱۸۷

برده سوم ۲۳۵

برده چهارم ۲۶۵

برده پنجم ۲۹۳

مقدمه مترجم

گر و کوشش ادبی شیلر از سال‌های کودکی به سبب تأثیری که محیط عصره و قرائت کتب فراوان در او کرده بود، آغاز گردید. نمایش نامه‌ی *راهزنان*، که شیلر از سال ۱۷۷۷ به آن مشغول بود، نمودار مطالعات بسیار اوست. یکی از دوستانش او را متوجه یکی از داستان‌های شوبرت^۱، موسوم به *تاریخچه قلب آستی*، نمود که در یکی از مجلات آن زمان در سال ۱۷۷۵ چاپ شده بود. این داستان مربوط به دو برادر است که پسران یکی از اشرافاند. برادر بزرگ، که جوانی منافق و بدطینت است، می‌خواهد برادر کوچک خود را، که دانشجوی سادملوچ پاک‌نهادی است، از میان بردارد. تهمت‌های بی‌پایان و نامه‌های مجعول، چنان برادر کوچک را ناامید می‌کند که داوطلب خدمت نظام و عازم میدان جنگ می‌گردد. برادر بزرگ می‌پندارد که او را قطعاً از بین برده است، ولی برادر دانشجو به‌طور ناشناس در نزدیکی املاک پدرش زندگی می‌کند و بی‌می‌برد که برادر بزرگ اندیشه قتل پدر را دارد و مقدمات کار را فراهم کرده است. توطئه کشف می‌شود، اما پدر فرزند گناهکار را می‌بخشد و روابط بین پدر و پسر و دو برادر دوباره التیام می‌یابد و با هم آشتی می‌کنند.

در این داستان حس گذشت و سایر صفات ممتاز و فضیلت‌دوستی آلمانی‌ها نشان داده می‌شود.

این داستان در شیلر اثر عجیبی کرد و وی آن را به صورت دیگری درآورد؛ به این معنی که دو شخصیت متضاد را، که یکی آزادی‌دوست و پرشور و دیگری خودخواه و جاه‌طلب و کریه‌المنظر است، مقابل هم می‌گذارد. در داستان شیلر، به عکس داستان شوبرت، برادر بزرگ صاحب صفات عالی است، در حالی که برادر کوچک همان موجود مغرور و بی‌رحمی است که برای جاه و مقام به هر عمل پستی دست می‌زند و در راه مقصود از هیچ جنایتی باز نمی‌ماند.

سرانجام برادر بزرگ، که روزی محبوب پدر بود، بر اثر تفتین برادر کوچک از محبت پدر محروم می‌شود و باس و حرمان او را به همدستی با راهزنان می‌کشاند.

شیلر شب و روز برای نوشتن این نمایش‌نامه کار می‌کرد و آنچه می‌نوشت برای دوستانش می‌خواند و این کار تا سال ۱۷۸۰، یعنی انجام خدمت سربازی‌اش، ادامه داشت و در این سال کتاب خود را به چاپ رساند و در ۶ مه ۱۷۸۱ بدون ذکر نام نویسنده منتشر کرد. زیرا آن روزها مضمون این داستان برای طبقه اشراف خوشایند نبود و حتی در لحظات آخر چندین صفحه را تغییر داد و به علاوه مدیر تئاتر هم پس از مطالعه نمایش‌نامه از او تقاضای اصلاحات مجددی نمود. این تغییرات کار دشواری بود و باعث اتلاف وقت شاعر جوان شد. بالأخره روز موعود، یعنی ۱۳ ژانویه ۱۷۸۲، نمایش‌نامه راهزنان برای اولین بار نمایش داده شد؛ اولین انتقادی که از این نمایش‌نامه شد ظهور یک شکسپیر آلمانی را در تاریخ ادبی آلمان نوید می‌داد، زیرا این داستان حاکی از احساسات و جوش و خروش جوانی و تمایلات آزادی‌خواهانه و از طرف دیگر سراسر آمیخته با توفان‌های سهمگین خشم و غضب بود.

در میان عبارات و سخنانی که شیلر از زبان قهرمانانی راهزنان ادا می‌کند، تقریباً همان نغمه‌ای را می‌شنویم که گوته و کریستن برگ^۱ و کلینگر^۲ و لایزویتس^۳ در آثار خود آغاز کرده بودند، حتی طنین صدای روسو در این نمایش‌نامه غم‌انگیز شنیده می‌شود. کینه و بغض نسبت به

فرهنگ، اجتماع، تمدن، قانون و سیاست و از طرف دیگر عشق به طبیعت، آزادی و انسانیت کاملاً در این کتاب مشهود است. البته تأثیر هنری و فکری شکسپیر نیز به چشم می‌خورد.

کارل قهرمان این درام است، اما نباید از نظر دور داشت که عامل اصلی این داستان فرانس است. اعمال کارل ارتباطی با اراده فرانس ندارد. فرانس می‌خواهد از باب و صاحب‌اختیار باشد و حق حاکمیت پدر را، که فقط به کارل می‌رسد، غصب کند و از به کار بردن هیچ وسیله‌ای برای مظلون ساختن برادرش خودداری نمی‌کند. خدعه و تزویری که به کار می‌برد انگیزه طرد کارل از خانواده و پدر می‌شود. کارل عنان‌گسیخته و طرود می‌خواهد بازگردد، اما چون روح او را تحقیر و لگدکوب کرده‌اند عیان می‌کند. گناه از کیست؟ از پستی و رذالت و دورویی اجتماع و سختگیری قانون!

کارل ناچار با چند تن از رفقای همفکر و هم‌قدم سر به جنگل می‌گذارد تا زندگی عیاری و بی‌بندوبار دور از سلطه قانون را شروع کند و خود را مافوق قانون و حکومت قرار دهد و با زور بازو و آتش و شمشیر برادر خائن را کیفر دهد. از ناتوانان و درماندگان دلجویی می‌کند و انتقام آن‌ها را از مردمان پلید می‌گیرد. او علل جهاتی را که پدرش را وادار به طرد او کرده است، جست‌وجو نمی‌نماید و با اینکه در برخی موارد خود را مقصر می‌داند، در پی آن است که انتقام خود را از ناپاکی بشر و تشکیلات اجتماعی بگیرد. بهتر است بگوییم که او نه انتقام شخص خود، بلکه انتقام صفات عالی و پاک خود را می‌گیرد که در کشاکش خودپرستی‌ها و دشمنی‌ها رانده و سرشکسته شده‌اند. کارل به دشمنی خدا نیز برمی‌خیزد و به همین جهت از بین می‌رود.

در این داستان اعمال و افعال کارل باعث محبوبیت او می‌شود، ولی سرانجام تأثر او را مشاهده می‌کنیم. راهزنان از شخصیت ممتاز او سخت در هراس‌اند، ولی کارل با تمام نفوذ و نیرویی که دارد حس می‌کند که حق به جانب او نیست. این احساس زندگی او را با اضطراب تلخی توأم می‌کند و عاقبت بر اثر احساسات مختلف اشتیاق فراوانی پیدا می‌کند که به کانون خانوادگی و بهشت جوانی خود و معشوقه‌اش بازگردد و وقتی رازها فاش می‌شود و می‌فهمد که بر اثر خدعه و نابکاری دیگری راهزن و جانی شده

1. Christenberg
3. Leisewitz

2. Klinger